

فرا تحلیل مطالعات مسائل اجتماعی در سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷، پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

اعظم راودراد*

چکیده

هدف از نوشتن این مقاله معرفی و تحلیل مسائل اجتماعی ایران به گونه‌ای است که در سینمای ایران به تصویر کشیده شده است. رویکرد نظری برای تشریح این مسائل عبارت است از رویکرد بازتاب با تاکید بر نظریه آینه پی‌یر سورلن. کاربرد این نظریه در سینما منجر به توجه به تصویر جامعه و موضوعات اجتماعی در سینما می‌شود. در این مقاله، مقالاتی که در طول چهار دهه گذشته در ایران به مطالعه مسائل اجتماعی در سینما پرداخته‌اند گردآوری شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل فراترکیب، مهم‌ترین یافته‌های این مقالات در یک سازمان‌دهی مجدد، جمع‌بندی، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است. در مرحله بعد یافته‌های فراترکیب با یافته‌های پژوهش‌های مهمی که در حوزه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران انجام شده بود مقایسه شد. سرانجام مشخص شد که تصویر سینمای ایران از مجموعه مسائل اجتماعی که در ایران وجود دارد، تصویری متناسب با واقعیت اجتماعی است. اگرچه به طور کلی، برخی از مسائل در سینما نسبت به واقعیت جامعه برجسته‌تر شده و برخی دیگر نادیده گرفته شده است، اما مهم‌ترین مسائل اجتماعی یافت شده در تحقیقات اجتماعی، در سینمای ایران نیز نمود یافته است. نتیجه نهایی این است که سینمای ایران رسانه نسبتاً مناسبی برای شناخت مسائل اجتماعی مهم ایران است.

واژگان کلیدی: سینما، رویکرد بازتاب، ایران، مسائل اجتماعی

* دکتری جامعه‌شناسی، استاد گروه ارتباطات، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

سینما یکی از هنرهایی است که با جامعه رابطه مستقیم دارد. فیلم‌های سینمایی شبیه زندگی واقعی هستند اگرچه واقعی نیستند. سینما به مقتضای هنر بودن، با خلاقیت و آفرینش هنرمند رابطه مستقیم دارد. سینما همچون هر هنر روایی دیگری، از جامعه معاصر خود متأثر است و دغدغه نمایش مسائل آن را دارد و این کار را از طریق روایت‌های سینمایی انجام می‌دهد (به عنوان مثال ر.ک. پیر سورلن، ۱۳۷۹ و آی سی جاروی، ۱۳۷۹). از طرف دیگر همان‌طور که دورکیم هم گفته است، مسائل اجتماعی، جنبه فردی ندارند و ناشی از شرایط کلی جامعه، مانند میزان همبستگی اجتماعی، است. دورکیم معتقد است «میزان خودکشی با درجه همبستگی گروهی نسبت عکس دارد» (اباذری، ۱۳۸۷: ۹۰). بنابراین آسیب‌هایی که شاید در نگاه اول کاملاً فردی و روانشناختی به نظر برسد، در یک مطالعه کل‌نگر، به مساله اجتماعی تبدیل می‌شود. یکی از راه‌هایی که می‌توان تصور کرد مسائل اجتماعی وجود دارند، توجه سینماگران به آنهاست. پرداختن فیلم و سینما به برخی از مسائل اجتماعی می‌تواند نشان‌دهنده برجسته شدن آن مسائل در جامعه و بنابراین اهمیت آنها باشد. به همین دلیل در این مقاله مسائل اجتماعی ایران از زاویه دید سینما در یک دوره چهل ساله مطالعه می‌شود. به این ترتیب هدف اصلی این مقاله نشان دادن نقش سینمای ایران در تشخیص و شناخت مسائل اجتماعی است.

می‌توان پرسش‌های بسیار زیادی از سینمای ایران در مورد جامعه ایران مطرح کرد و با تحلیل‌های مختلف جامعه‌شناختی و روش‌های متعدد تحلیل، به پاسخ آنها نزدیک شد. از طرف دیگر به طور همزمان لازم است اطلاعات مربوط به پرسش‌های طرح شده با استفاده از تحقیقاتی که با روش‌های دیگر علوم اجتماعی موضوع را مطالعه کرده‌اند کامل شود. در نهایت لازم است یافته‌های این دو دسته از تحقیقات با هم مقایسه شوند تا بتوان در هر تحقیق و تحلیل یک قدم به شناخت کامل‌تر جامعه با واسطه سینما نزدیک‌تر شد. در این مقاله نیز ابتدا یافته‌های پژوهش‌های دیگر از مسائل اجتماعی تصویر شده در فیلم‌های سینمایی ایرانی، بیان و جمع‌بندی شده است. در مرحله دوم یافته‌های پژوهش‌های اجتماعی ناظر بر وضعیت مسائل اجتماعی موجود در جامعه ایران، با استفاده

از پژوهش‌های مهم اجتماعی، بیان شده تا بتوان با مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های سینمایی نشان داد که سینما چه نسبتی با واقعیت‌های اجتماعی دارد. در نتیجه‌گیری مقاله، نسبت میان این دو دسته از یافته‌های پژوهشی و بنابراین نسبت میان سینما و جامعه در موضوع مسائل اجتماعی ایران تبیین شده و به لحاظ نظری با تأیید رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی سینما، نشان داده شده است که سینمای ایران، به طور نسبی، بستر مناسبی برای شناخت مسائل اجتماعی ایران هست. اما قبل از هر چیز لازم است مفهوم مسائل اجتماعی توضیح داده شود.

مسائل اجتماعی

در هر جامعه، میان ارکان مختلف نظام اجتماعی پیوندهای محکمی برقرار است که تداوم حیات آن را تضمین می‌کند. هر چیزی که این پیوندها را تهدید کند و حرکت طبیعی جامعه را مختل سازد، به عنوان یک مساله یا مشکل اجتماعی تلقی خواهد شد. اما مساله اجتماعی در رویکردهای جامعه‌شناختی به شیوه‌های متفاوتی تعریف شده است. دو رویکرد غالب اثبات‌گرا و برساخت‌گرا، هر یک تعریف خود را از مساله اجتماعی دارند. رویکرد اثبات‌گرا، مساله اجتماعی را همواره به عنوان امری عینی و بیرونی به حساب می‌آورد که هر چند نتایج و پیامدهای ذهنی دارد، اما در عمل ملموس، واقعی و عینی به نظر می‌رسند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۳). همان‌طور که لوزیک هم می‌گوید، «با این دید، مسائل اجتماعی به چیزهایی اطلاق می‌شود که بشود آنها را دید، به شرایط گسترده‌ای در محیط اطلاق می‌شود که بشود آن را اندازه‌گیری کرد و به آن اموری اطلاق می‌شود که به حیات و زندگی افرادی که بر اثر این شرایط آسیب می‌پذیرند یا افرادی که به وجود آورنده این شرایط هستند، مربوط می‌شود» (لوزیک، ۱۳۹۳، ص. ۲۶).

اما در رویکرد برساخت‌گرا «نظر بر این است که مساله اجتماعی مستقل از ذهن ما عینیت ندارد، بلکه از سوی ما ساخته می‌شود» (معیدفر، ۱۳۸۹، ص. ۹). لوزیک که نظریه‌اش در دسته برساخت‌گرا قرار می‌گیرد، در تعریف مسائل اجتماعی می‌گوید: «ما واژه مساله اجتماعی را برای مقوله‌بندی شرایط مشکل‌زایی به کار می‌بریم که شایع باشد و بتوان آن را تغییر داد و باید آن را تغییر داد» (لوزیک، ۱۳۹۳، ص. ۲۵). به طور کلی آنچه در آرای جامعه‌شناسان به عنوان

رابطه فیلم و جامعه

مطالعه رابطه میان فیلم و جامعه در حیطه جامعه‌شناسی سینما قرار دارد. در این رشته معمولاً از دو رویکرد بازتاب^۲ در جامعه‌شناسی هنر و بازنمایی^۳ در مطالعات فرهنگی هنر سخن گفته می‌شود. در رویکرد بازتاب به عنوان سندی برای شناخت جامعه نگاه می‌شود. در این رویکرد اعتقاد بر این است که آثار هنری همچون آینه‌ای جامعه را در خود به نمایش می‌گذارند. در رویکرد بازنمایی، به نقش سینما در برساخت ابعاد مختلف جامعه از زاویه دید ایدئولوژی‌های مسلط توجه می‌شود. به همین دلیل در این رویکرد شرایط واقعی اجتماعی مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد چون تصور بر این است که این شرایط بازتابی در سینما ندارند و هرچه هست بازنمایی است. با توجه به اینکه در این مقاله هدف ما نشان دادن تاثیر شرایط اجتماعی معاصر در تولید فیلم‌هایی با مضامین مرتبط با مسائل اجتماعی است، رویکرد بازتاب با هدف این مقاله تناسب بیشتری دارد. ویکتوریا الکساندر معتقد است که «رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه‌ای گسترده از تحقیقات است که مبنی بر این عقیده مشترک هستند که هنر آینه جامعه است یا هنر به واسطه جامعه مشروط شده یا تعیین می‌یابد» (الکساندر، ۱۳۹۰: ۵۵). او تاکید می‌کند که این رویکرد پیشینه‌ای طولانی و قابل احترام در جامعه‌شناسی دارد. البته همان‌طور که آینه تنها بخشی از واقعیت گزینش شده مورد نظر را در چهارچوب قاب خویش بازمی‌تاباند، آثار هنری نیز بخشی از جامعه را به نمایش می‌گذارند. همچنین همان‌طور که همه آینه‌ها تخت نیستند که شیئی بیرونی را دقیقاً همان‌طور که هست نشان دهند، آثار هنری نیز به تناسب توانایی‌ها و ارزش‌ها و معیارهای هنرمند ممکن است به میزان‌های متفاوتی واقعیت را به نمایش بگذارند یا از آن انحراف حاصل کنند. بر اساس این تئوری، هنرها واقعیت را به رمز برمی‌گردانند و آنچه را در جامعه وجود دارد به صورتی نمادین و رمزگونه به نمایش می‌گذارند.

پیر سورلن در کتاب سینمای کشورهای اروپایی (۱۳۷۹) تلاش می‌کند نشان‌دهنده چگونه با مطالعه سینما می‌توان به خصوصیات و ویژگی‌های جامعه در دوره‌های معین پی برد. او برای توجه به این رویکرد خود از نظریه آینه^۴ استفاده کرده و از قول آر. دورگنات که در کتاب «آینه‌ای برای انگلستان» این نظریه را توضیح داده است، می‌گوید: «فیلم

مسئله اجتماعی مورد توجه است، طیف وسیعی از تنش‌ها، ناکامی‌ها، ضعف‌ها و فقدان‌هایی است که در قالب پدیده‌ها و رویدادهای اجتماعی، موجب چالش‌هایی در حوزه اجتماعی شده است. این ضعف‌ها و فقدان‌ها از طرفی ریشه در ساختار اجتماعی و از سویی دیگر ریشه در کارگزاران انسانی و ناتوانی‌هایی دارد که سوژه‌ها از خود نشان می‌دهند. از طرف دیگر آسیب اجتماعی را معمولاً با انحراف اجتماعی و کج‌روی اجتماعی معادل می‌دانند. بر این اساس، کج‌رفتاری را با ویژگی آسیب‌زا بودن برای دیگران تعریف کرده‌اند: «کج‌رفتاری از واکنش اجتماع به یک عمل یا طریقه زندگی، که از هنجارهای اخلاقی یا مقررات نهادی مقبول جاری تخطی کرده، روشن می‌شود. از سوی دیگر تنها چیزی (صفتی) که همه کج‌رفتاران در آن با هم شریک‌اند، این است که آنان به عده‌ای دیگر آزار و آسیب می‌رسانند. یعنی آنچه آنان را کج رفتار می‌کند، از توجه به دیگران شناخته می‌شود، نه از مطالعه خود این افراد» (صدیق سروسستانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲). در واقع، آسیب اجتماعی هر عملی است که در چهارچوب اصول اخلاقی و فرهنگ عمومی جامعه قرار نداشته باشد و با ایجاد اختلال در نظم و هماهنگی جامعه، موجب برانگیخته شدن واکنش منفی شود. همان‌طور که پیوتروفسکی^۱ (۲۰۰۶) می‌گوید، واژه آسیب‌شناسی اجتماعی مانند چتری، در برگزیده مسائل اجتماعی است که در خودآگاهی مشترک زمانه وجود دارند و برای زندگی افراد، گروه‌های اجتماعی و کل جامعه مضر و مخرب شناخته می‌شوند (ص: X). با این حساب هر مطالعه‌ای که به دنبال شناسایی مسائل اجتماعی در حوزه‌ای خاص و کشف علل و شرایط به وجود آمدن آن مسائل باشد، یک مطالعه آسیب‌شناختی اجتماعی است.

در حوزه اجتماعی مجموعه وسیعی از موضوعات مانند خودکشی، اعتیاد، طلاق، عدم احساس مسئولیت، مهاجرت و فرار مغزها به عنوان مسائل اجتماعی مورد توجه بوده‌اند که جامعه‌شناسان بسیاری بدان پرداخته‌اند. در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی هم مسائلی چون فقر، تورم، تکدی‌گری، ارتشاء، اختلاس و فساد حکومتی بخشی از مسائل مورد توجه جامعه‌شناسان هستند. این مسائل به اشکال مختلف در سینمای ایران تصویر شده است که در این مقاله به چگونگی این تصویرسازی پرداخته و مسائل اجتماعی جامعه ایران به میانجی سینما تشریح شده است.

فیلم به درک میزان نزدیکی یا دوری فیلم از واقعیت یاری رساند. در مقاله حاضر از یافته‌های تحقیقاتی که به مطالعه تصویر مسائل اجتماعی ایران در سینما پرداخته‌اند برای نشان دادن چگونگی رابطه بازتابی میان سینما و جامعه، استفاده شده است.

سینمای مسائل اجتماعی

سینمای اجتماعی نه یک ژانر معین در سینماست و نه می‌توان آن را تنها به آن دسته از فیلم‌های سینمایی که مسائل اجتماعی را به تصویر می‌کشند اطلاق کرد. سینمای اجتماعی موضوعات اجتماعی را به تصویر می‌کشد و از آنجا که در انواع ژانرهای سینمایی، موضوعات مختلف اجتماعی مطرح هستند، سینمای اجتماعی همواره از قرار گرفتن ذیل یک ژانر سینمایی سر باز می‌زند. اما اگر قرار بر اصلاح و درست کردن این اصطلاح جافتاده باشد که معمولاً به اشتباه برای فیلم‌های سینمایی معطوف به مسائل و معضلات اجتماعی به کار می‌رود، باید گفت با تعریف خاص و آکادمیک مسائل اجتماعی که در بالا توضیح داده شد، می‌توان ژانر سینمایی معینی با عنوان «سینمای مسائل اجتماعی»^۶ را به رسمیت شناخت. همان‌طور که کریس کی‌گل^۷ (۲۰۱۷) گفته است «مورخان و منتقدان فیلم، فیلم‌های مرتبط با مسائل اجتماعی را به عنوان چیزی مابین یک نوع مد و یک ژانر کامل پذیرفته‌اند» (ص: ۱). او به نقل از چارلز مالاند ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد که این سینما را به مفهوم ژانر نزدیک می‌کنند. این ویژگی‌ها عبارتند از نخست وجود یک داستان روایی که نقطه تمرکز و موضوع تضادهای شکل گرفته در فیلم مبتنی بر نمایش یکی از مسائل و معضلات جامعه است؛ دوم چنین فیلمی صحنه‌پردازی معاصر دارد؛ معمولاً با قربانیان یک مساله اجتماعی همدردی می‌کند و سرانجام به طور تلویحی نتیجه می‌گیرد که مسائل و مشکلات را می‌توان با انجام اصلاحات اجتماعی حل کرد یا اثرات مخرب آنها را کاهش داد (کی‌گل، ۲۰۱۷: ۲). به این ترتیب پژوهش‌هایی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند آنهایی است که به طور عمده «فیلم‌های (سینمای مسائل اجتماعی)» را برای تحلیل‌های خود انتخاب کرده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله فراترکیبی است. روش فراترکیبی،

واقعیت نیست، اما در عین حال نمی‌تواند خود را به طور کامل از شرایط حقیقی رها کند؛ مثل آینه که آنچه را پیش رو دارد، با اینکه ممکن است تحریف کند، محدود سازد و در چارچوبی قرار دهد، سرانجام در خود منعکس می‌کند، فیلم نیز جنبه‌هایی از جامعه‌ای را که در آن ساخته شده است، نمایش می‌دهد» (دورگنات، به نقل از سورلن، ۱۳۷۹: ۲۶). به عبارت دیگر اگر در رویکردی تحلیلی، بخش‌های فانتزی و خیال‌پردازانه فیلم را از آن جدا کنیم، آنچه می‌ماند نشانی است از ویژگی‌های واقعی جامعه. حال بسته به میزان غلبه فانتزی در فیلم، این ویژگی‌های واقعی کمتر یا بیشترند.

به عقیده سورلن این نوع تعبیر از فیلم به طور کامل پذیرفتنی است. او توضیح می‌دهد که آثار مکتوب زیادی وجود دارند که در آنها بر همین ویژگی یعنی همخوانی و هماهنگی بعضی از فیلم‌ها با زمینه‌های تاریخی آنها تأکید شده است. همچنین توضیح می‌دهد که «شدت و تأثیر مشکلات محلی و منطقه‌ای، و شرایط ویژه را می‌توان به آسانی در فیلم‌ها نمایان ساخت؛ آثار ارزشمندی به وجود آمده است در مورد اینکه چگونه می‌شود تاریخ جوامع را از راه تماشای فیلم‌هایی شناخت که آن جامعه تولید کرده است» (ص: ۱۲). سورلن تأکید می‌کند که «مورخان سال‌هاست که پذیرفته‌اند فیلم، در هر نوع بررسی قرن بیستم سند مهمی است و دیگر ضرورتی به تاخت و تاز بیشتر در این عرصه نیست». از نظر سورلن، سینما شرایط اجتماعی معاصر خود را بازتاب می‌کند، اگرچه برای فهم چگونگی این بازتاب، باید پیچیدگی‌های آن را به طور کامل در نظر داشت.

همچنین آی. سی. جاروی^۵، که از اولین جامعه‌شناسانی است که به سینما به عنوان سندی برای مطالعه و شناخت جامعه نگاه کرده، در کتاب خود با عنوان به سوی یک جامعه‌شناسی سینما (۱۹۹۹)، گفته است «برای نفوذ به درون پوسته یک جامعه، به غیر از کار میدانی مردم‌شناختی، هیچ چیز با دیدن فیلم‌هایی که برای بازار داخلی یک جامعه ساخته شده‌اند، برابری نمی‌کند» (جاروی، ۱۳۷۹: ۴۲). نظریه آینه در سینما نسخه مشابهی از نظریه بازتاب در هنر به طور کلی است. در اینجا نیز عقیده بر این است که اگرچه جامعه در آینه سینما بازتاب می‌شود، این بازتاب، ساده و عین واقعیت نیست، بلکه از آن متأثر است. فهم نسبت میان این بازتاب و خود واقعیت زمانی میسر می‌شود که تحقیقات تکمیلی درباره شناخت واقعیت از راه‌هایی غیر از مطالعه

پژوهش‌های میدانی، نوشته شده‌اند. از طرف دیگر انتشار آنها در مجلات علمی که با داوری‌های علمی همراه است نشان دهنده اعتبار یافته‌های آنها نیز هست. از آنجا که مسائل اجتماعی متعددی در مجموعه فیلم‌های سینمایی ایران طرح شده است، مقالات متعددی هم نوشته شده است که در هر یک به چگونگی بازنمایی تعدادی از این مسائل در فیلم‌ها پرداخته شده است. از بین ۱۹۲ مقاله منتشر شده در نشریات علمی در موضوع سینما که در جستجوی مقالات یافت شد، ۱۳ مقاله مستقیماً به موضوع مسائل اجتماعی در سینمای ایران پرداخته‌اند که روش تحقیق اغلب آنها کیفی بوده است.

در ادامه مهم‌ترین مسائل اجتماعی روایت شده در فیلم‌های سینمایی ایرانی به طور کلی و نیز به تفکیک هر دهه، به میانجی مقالات پژوهشی منتشر شده در این زمینه، جمع‌بندی شده و نشان داده شده است که در هر دهه چه مسائل اجتماعی در سینما برجسته شده و این مسائل چه ارتباطی با شرایط اجتماعی واقعی داشته است.

تصویر مسائل اجتماعی ایران در سینما

در مقالات مرتبط با موضوع مسائل اجتماعی ایران، بازنمایی مسائلی چون فقر، کسب و کار حرام، بیکاری، جرم و جنایت، ناهنجاری و بزهکاری، طلاق و اعتیاد در سینما مورد توجه بوده است. در بعضی از فیلم‌ها پرداخت به مسائل اجتماعی مستقیم بوده و موضوع اصلی فیلم را تشکیل داده است. در بعضی دیگر از فیلم‌ها این موضوع به صورت غیرمستقیم و در حاشیه طرح شده است. در هر صورت، پژوهش‌های انجام شده بر روی چگونگی بازتاب این مسائل در فیلم‌ها متمرکز شده‌اند. در ادامه، یافته‌های پژوهش‌های مورد مطالعه در باره چهار دهه شصت، هفتاد، هشتاد و نود ایران به تفکیک تشریح خواهد شد.

دهه شصت

از آنجا که مطالعات مرتبط با جامعه‌شناسی سینما از سال‌های پایانی دهه هشتاد به بعد در ایران رو به افزایش گذاشت، طبیعی است که در دهه‌های شصت و هفتاد تعداد پژوهش‌های کمتری موجود باشد. رستگار و دیگران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مسائل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش مفصلی

مشابه فراتحلیل است با این تفاوت که از فراتحلیل برای تحلیل داده‌های کمی و از فراترکیب برای تحلیل داده‌های کیفی استفاده می‌شود. در این روش بر تلفیق نتایج تعدادی از مطالعات کیفی مختلف اما مرتبط با یک موضوع خاص تاکید می‌شود. این روش همچنین رویکرد کیفی و تفسیری را در تجمیع نتایج یافته‌ها دنبال می‌کند. به این ترتیب زمینه یک تفسیر جدید از یافته‌های تجمیع شده، فراهم می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۰، ص: ۴۷۸). در مقاله حاضر تفسیر جدید بر یافته‌های تجمیع شده بر اساس رویکرد نظری جامعه‌شناسی سینما و تبیین رابطه میان فیلم و جامعه انجام شده است. هیچ قانون مشخصی برای تعداد مطالعات یا پژوهش‌های کافی در روش فراترکیب وجود ندارد و برخی نیز حداقل تعداد پژوهش برای انجام فراترکیب را بین ۱۰ تا ۱۲ پژوهش دانسته‌اند (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۰، ص: ۴۸۰). در این مقاله تعداد ۱۳ پژوهش تحلیل شده است. از طرف دیگر، توجه به اعتبار منابع مورد استفاده در فراترکیب هم مهم است. پژوهشگر می‌تواند از منابعی چون «پژوهش‌های داوری شده»، «پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها»، «مقاله‌های چاپ شده» و موارد دیگر استفاده کند (همان: ۴۸۱). در مقاله حاضر از مقالات چاپ شده که در فرآیند چاپ، داوری هم می‌شوند استفاده شده و به این ترتیب اعتبار منابع نیز تضمین شده است. سرانجام توجه به این نکته نیز مهم است که اگرچه در روش فراترکیبی از منابع کیفی استفاده می‌شود، در مواردی ممکن است پژوهشگر یافته‌های کمی برخی پژوهش‌های ترکیبی را هم در جمع‌بندی و تفسیر خود دخالت دهد (همان). در مقاله حاضر نیز رویکرد اغلب مقالات منتشر شده و مورد استفاده، کیفی است و تنها در یک مورد از داده‌های کمی نیز استفاده شده است.

جامعه تحقیق و نمونه

برای به دست آوردن یک دیدگاه کلی از مسائل اجتماعی ایران به نحوی که در سینمای ایران تصویر شده است، ابتدا مقالات مرتبط با جامعه‌شناسی سینما و مطالعات فرهنگی سینما که در نشریات علمی دوره چهل ساله پس از انقلاب منتشر شده بودند، گردآوری شد. سپس از میان آن مقالات، آنهایی انتخاب شدند که به بازنمایی مسائل اجتماعی مختلف در سینمای ایران توجه داشتند. این منابع به این دلیل ارزشمند و قابل اعتماد هستند که مبتنی بر یافته‌های

دروغ» مواجه می‌شویم. به عبارت دیگر اقتصاد جامعه به اقتصاد بیمار تبدیل شده و اخلاق هم رو به زوال رفته است. در این فیلم شاهد به قهقرا رفتن خانواده و روابط بین زن و مرد، بحران جنسی و دوگانه اهل فرهنگ در برابر سوداگران و ثروت‌اندوزان هستیم که می‌توان گفت به عنوان مسائل اجتماعی دهه شصت در سینما به تصویر کشیده شده است.

دهه هفتاد

تنها دو مقاله به مسائل تصویر شده مرتبط با دهه هفتاد پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش رستگار و دیگران (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد که مهم‌ترین مسائل اجتماعی بازنمایی شده در سینمای دهه ۷۰ به زنان مربوط می‌شود. به دلیل اینکه فعالیت‌های اجتماعی زنان پس از پایان جنگ افزایش یافته بود، در فیلم‌ها هم به مسائلی همچون تابوشکنی، نقش‌های جدید زنان، افزایش آگاهی و تحصیلات زنان به عنوان مسائل اصلی توجه شده بود. مسائل اجتماعی دیگر همچون قاچاق دارو، مهاجرت از روستا به شهر، خودکشی، اسیدپاشی بر روی زنان و اعتقاد به خرافات و جادو در حاشیه این مساله اصلی مطرح بودند.

نویسندگان توضیح می‌دهند که در این دهه به تناسب دو دوره متمایز در تحولات اجتماعی، با دو نوع توجه به مسائل زنان در سینما هم مواجه هستیم. در نیمه اول این دهه که موسوم به عصر سازندگی است، توجه به مسائل زنان در سینما به حدی افزایش می‌یابد که از شش فیلم پرفروش آن، پنج فیلم با محوریت زنان ساخته شده است. این روند در نیمه دوم این دهه، در دوره موسوم به اصلاحات ادامه می‌یابد و با تغییر سیاستگذاری‌ها، طرح مسائل زنان در سینما شفاف‌تر می‌شود. در این دوره زنان مدرن‌تر با نقش‌های اجتماعی جدید مانند پرستار، خبرنگار، استاد دانشگاه، دانشجو، مدیر و با فعالیت‌هایی چون رانندگی و نویسندگی، کامپیوتر، فیلمبرداری، عکاسی و آشنایی با زبان انگلیسی در سینما ظاهر می‌شوند که به جای مسائل شخصی و خانوادگی همچون خانه‌داری و بچه‌داری در باره مسائل آموزشی و سیاسی گفتگو می‌کنند. در این دوره با افزایش میزان طلاق در سطح جامعه و به دنبال آن ساخت فیلم‌هایی با موضوع طلاق مواجه هستیم به طوری که در میان ده فیلم پرفروش دهه ۷۰ موضوع سه فیلم مستقیماً در باره طلاق است و در سه فیلم دیگر هم تهدید به طلاق

انجام دادند که تمامی چهار دهه مورد نظر در این مقاله را دربر می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان گفت بیان یافته‌های این تحقیق، نقطه شروع مناسبی برای آغاز بحث است. این تحقیق که با تحلیل محتوای ۳۷ فیلم پرفروش سینمای ایران در دهه‌های مختلف انجام شده است، بر بازنمایی مسائل اجتماعی در سینما متمرکز است. نویسندگان در گزارش یافته‌های تحقیق خود توضیح می‌دهند که در دهه شصت مسائل اجتماعی به طور کلی به حاشیه رفته و تحت‌الشعاع انقلاب و جنگ متعاقب آن قرار داشته است. به همین دلیل در سینمای این دوره نیز کمترین توجه به مسائل اجتماعی بوده است. در عوض سینما در این دوره بیش از هر چیز به بازنمایی جنگ پرداخته است. اما می‌شود گفت مساله مواد مخدر به دلیل وجود جنگ و ناامن شدن مرزهای کشور از مسائلی است که در سینمای این دوره در کنار موضوع جنگ، مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به دلیل وجود گروه‌های مخالف نظام تازه مستقر شده، مساله مبارزه با ضدانقلاب هم در این فیلم‌ها قابل مشاهده است. اما به طور کلی و همان‌طور که این نویسندگان می‌گویند «مجموعه این رویدادها به غیاب جامعه در معنای دقیق کلمه منجر شده و به همین دلیل نمایش مسائل اجتماعی در سینما به حاشیه رفت و توجه اندکی به آن شد» (ص: ۷۲). از طرف دیگر مسائل اجتماعی بازتاب داده شده در سینما در این دهه هم بیشتر مسائلی مردانه بودند زیرا به دلیل سیاست‌های فرهنگی و ممیزی، زنان در سینمای این دوره یا اصولاً غایبند یا حضور بسیار کم‌رنگی دارند که به نقش‌های خانوادگی همچون همسری و مادری محدود می‌شود.

همچنین روزخوش (۱۳۹۸) با تحلیل فیلم سگ‌کشی توضیح داده است که اگرچه این فیلم در سال ۱۳۸۰ اکران شد ولی نوشتن فیلمنامه آن در سال ۱۳۷۱ و کوتاه زمانی پس از اتمام جنگ تمام شده بود. به همین دلیل موضوع آن نیز به شرایط زمانی دوران بلافاصله پس از جنگ یعنی اواخر دهه شصت برمی‌گردد. به همین دلیل می‌توان گفت مسائل اجتماعی تصویر شده در آن به دهه شصت مربوط است. مسائل عمده این فیلم که با روش تحلیل مضمون و تحلیل فرم به دست آمده در دو بعد اقتصادی و اخلاقی قابل دسته‌بندی هستند. در بعد اقتصادی با «ترکیبی از کلاهبرداری دلالی و زدوبندهای حقوقی» و در بعد اخلاقی با مسائلی چون «خیانت، عهدشکنی، تجاوز، ریاکاری و

استفاده کرده و نشان می‌دهند که طی چهارده سال از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ نرخ طلاق در کشور نزدیک به دو و نیم برابر شده و البته در تهران بیشتر هم بوده است. همچنین پیشینه تحقیق در این مقاله نیز به روشنی نشان‌دهنده افزایش طلاق در سطح جامعه و فیلم در دهه هشتاد است. به عنوان مثال، تحقیق رضوان اناری (۱۳۹۰) به نقل از سلطانی و پاکزاد نشان داده است که بازنمایی طلاق و خیانت در دهه هشتاد در فیلم‌های سینمایی افزایش یافته است. در مجموع یافته‌های تحقیق سلطانی و پاکزاد نشان داد که اکثریت افراد درگیر طلاق، جوان، از طبقه متوسط به بالا و دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. همچنین اکثر زنان نقش اول درگیر طلاق نگرش فمینیستی و مردان نقش اول نگرش بینابینی داشته‌اند. مهم‌ترین علت‌های طلاق هم خشونت علیه زنان و خیانت خانوادگی بوده است.

رستگار و دیگران (۱۳۹۸) نیز در تحقیق خود نشان داده‌اند که در تمام فیلم‌های پر فروش دهه ۸۰ جامعه مدرن و خانواده‌های طبقه متوسط به تصویر کشیده شده است و یکی از مسائل مهم این خانواده‌ها هم مساله طلاق است. طلاق در تمام این فیلم‌ها یا اتفاق افتاده یا موضوع بحث است. نویسندگان با ارجاع به تحقیقات دیگر نشان می‌دهند که در این دهه در سطح واقعیت اجتماعی هم مسائل موجود در کلیت جامعه را می‌توان در نهاد خانواده ردیابی کرد به نحوی که می‌توان گفت تجلی و نمود مسائل اجتماعی در خانواده است. سینما هم در این دوره خانواده بحرانی را به تصویر کشیده است. آنها نشان می‌دهند که سه مساله اساسی بیکاری، تورم و اعتیاد، مهم‌ترین مسائل کشور در این دهه بوده که مستقیماً بر نهاد خانواده اثر گذاشته و در سینما هم بازتاب آن را شاهد بوده‌ایم.

در مقاله دیگری (امیری و مریدی: ۱۳۹۸)، که به تحلیل یکی از فیلم‌های با مضمون فقر پرداخته شده، به فیلم‌هایی در دهه هشتاد اشاره شده است که فقر موضوع محوری آنها بوده است و در بستر خانواده به تصویر کشیده شده است. فیلم‌های بوتیک (حمید نعمت‌الله: ۱۳۸۲)، سالاد فصل (فریدون جیرانی: ۱۳۸۴)، هیچ (عبدالرضا کاهانی: ۱۳۸۸) و اینجا بدون من (بهرام توکلی: ۱۳۸۹)، همگی فقر و پیامدهای آن را در بستر خانواده به تصویر کشیده‌اند. نویسندگان معتقدند که این فیلم‌ها «تصویری از رنج مداوم و مناسبات حاکم بر زندگی فقرا ارائه می‌دهند و هر نیروی

مشاهده می‌شود. سرانجام نویسندگان مقاله معتقدند که در دهه هفتاد اگرچه زنان جایگاه و موقعیت بهتری در جامعه پیدا می‌کنند ولی با مساله‌ای به نام طلاق هم مواجه می‌شوند که در سینمای این دوره بازتاب می‌یابد.

در مقاله دوم، محمدی و محمودی (۱۳۹۵) به چگونگی بازنمایی قوم کرد در سینمای نئورئالیستی ایران پرداخته‌اند. آنها برای پاسخ به این سوال دو فیلم تخته سیاه و باد ما را خواهد برد را با روش نشانه‌شناسی تحلیل کردند. از نظر نویسندگان، این دو اثر که در اواخر دهه هفتاد ساخته شده‌اند، جزو اولین آثاری هستند که خواسته‌اند تصاویر واقع‌گرایانه‌تری را از کردها به نمایش بگذارند. اما علیرغم این تلاش، موفق نبوده و باز هم همان کلیشه‌های موجود در سطح جامعه در باره کردها را تحت تاثیر فرهنگ مسلط، بازتولید کرده‌اند. «در این تصویر کرد بودن واجد این همانی تام با «طبیعت بکر»، «سنن قدیمی»، «سادگی» و «مقاومت در برابر تغییر» است» (ص: ۳۵۱). از نظر این نویسندگان دو فیلم مورد نظر «به ما می‌گویند که آن «دیگری» خشن نمایش یافته در متون دهه شصت، اکنون چهره باطنی مهربان و دوست داشتنی‌اش نمایان شده است و دیگری‌ای است فرودست که حتی باید کمکش کرد تا راه را بیابد» (ص: ۳۷۲). این مقاله نشان‌دهنده اهمیت یکی از مسائل اجتماعی ایران به نام تبعیض قومی است که موضوع آن چگونگی بازنمایی قوم کرد در سینمای ایران است.

دهه هشتاد

یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی طرح شده در سینمای دهه هشتاد مساله طلاق است. سلطانی و پاکزاد (۱۳۹۵)، در پژوهش خود، ۲۱ فیلم از دهه هشتاد با موضوع طلاق را با روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه کردند. دلیل آنها برای نشان دادن ضرورت این مطالعه این بوده که «در سال‌های دهه ۸۰، به تبع افزایش نرخ طلاق در جامعه ایران، ساخت فیلم‌هایی با موضوع طلاق، در مقایسه با دهه‌های پیشین سینمای ایران افزایش چشم‌گیری داشته است» (ص: ۸۰). آنها توضیح می‌دهند که «روند بازنمایی طلاق و دیگر مسائل و آسیب‌های خانواده در دهه هشتاد شمسی تا کنون، در حالی در فیلم‌های ایرانی اوج گرفته است که در عرصه واقعی جامعه ایران نیز روند طلاق، افزایشی سرسام‌آور را تجربه می‌کند» (همان). سپس آنها از آمار ثبت احوال

سلطانی و دیگران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود، تعداد ۵۷ فیلم از سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۴ با موضوع جرم و جنایت را به روش تحلیل محتوای کمی مطالعه کرده‌اند. از آنجا که وجه غالب دوره زمانی به دهه هشتاد مربوط می‌شود، یافته‌های این پژوهش را مرتبط با این دهه در نظر می‌گیریم. بر اساس جمع‌بندی نویسندگان، فیلم‌های سینمایی ایرانی در این سال‌ها، «بیشتر گرایش به نمایش مجرمان جوان و مجرد، مرد طبقه بالا یا زن طبقه پایین، دارای تحصیلات اغلب پایین، مرد شاغل یا زن غیر شاغل» داشته‌اند و «شهرها بخصوص مناطق متوسط و بالای آنها به عنوان مکان غالب وقوع جرم در این فیلم‌ها تصویر شده است» (ص: ۱۸۶). همچنین انواع جرایم تصویر شده در این فیلم‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از «جرایم جنایی مانند قتل، ضرب و جرح، آدم ربایی، تیراندازی و ...، جرایم جنسی مانند خیانت، تجاوز، تن‌فروشی، روابط نامشروع و ...، جرایم مالی و اقتصادی مانند سرقت، کلاه‌برداری، قاچاق، اختلاس و فساد اقتصادی و ...» (ص: ۱۷۸). نکته قابل توجه این است که بر اساس یافته‌های این پژوهش ۵۰ درصد از مجرمان نمایش داده شده در فیلم‌ها ضمناً به آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی، طلاق، فقر، خشونت خانگی و بیکاری هم مبتلا بوده‌اند. این نکته نشان‌دهنده تأکید فیلم‌ها بر اهمیت بعضی از آسیب‌های اجتماعی به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری انواع دیگری از آسیب‌های اجتماعی دیگر است.

دهه نود

مسائل اجتماعی متعددی در دهه نود در سطح جامعه وجود دارند و در سینمای این دهه هم به تصویر کشیده شده‌اند. رستگار و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله خود نشان می‌دهند که در این دهه فیلم‌ها از فضای خانواده بیرون آمده و به فضای شهری پرداخته‌اند. مسائلی مانند اسیدپاشی و تجاوز در خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی اتفاق می‌افتد و کلیت شهر را پراسیب و درگیر در مساله نشان می‌دهد. از آنجا که مسائل این دهه متعدد است، در هر فیلم، علاوه بر مساله محوری، مسائل دیگری هم به صورت حاشیه‌ای مطرح می‌شوند. به عنوان مثال در فیلم‌های لاتوری و فروشنده، اگرچه مساله اصلی به ترتیب اسیدپاشی و تجاوز است اما به مسائل دیگری همچون قتل، فحشا، خیانت و

نجات بخشی را نابود می‌کنند» (ص: ۶۴). به این ترتیب معلوم می‌شود که مساله فقر به اندازه‌ای در جامعه ایران در این دهه مطرح بوده که در تعداد زیادی از فیلم‌های سینمایی بازتاب یافته است.

مساله اجتماعی دیگری که در این دهه در سینمای ایران به تصویر کشیده شده و در پژوهش‌های اجتماعی به آن توجه شده، مساله ایدز و نحوه مواجهه خانواده‌ها و جامعه با آن است. راودراد و آقایی در مقاله خود (۱۳۹۵) فیلم پابره‌نه در بهشت را که داستان یک جوان روحانی است که برای خدمت به بیماران وارد قرنطینه بیماران علاج‌ناپذیر مبتلا به ایدز می‌شود، تحلیل کرده و نشان داده‌اند که دو گفتمان متفاوت در مواجهه با بیماری ایدز در این فیلم مطرح شده است. در حالی که پزشک آسایشگاه همه بیماران را گناهکارانی می‌داند که دارند عقوبت می‌شوند (گفتمان گناه)، جوان روحانی سعی می‌کند فضای عاطفی قرنطینه را تغییر داده و مشکلات روحی بیماران را حل کند (گفتمان انسان دوستی). فیلم پابره‌نه در بهشت جزو معدود فیلم‌هایی است که با موضوع بیماری ایدز در دهه هشتاد ساخته شده و نشان‌دهنده گفتمان غالب در باره این بیماری در سطح جامعه، یعنی گفتمان پزشکی زیستی است. این گفتمان، بیماری محور بوده و با گناهکار پنداری فرد مبتلا به ایدز همراه است. گفتمان مسلط در این فیلم هم گفتمان گناه است که البته فیلم تلاش دارد با گفتمان انسان دوستی که نماینده پزشکی اجتماعی است، آن را به چالش بکشد.

فیلم جدایی نادر از سیمین محصول سال ۱۳۸۹، در نگاه اول، فیلمی با موضوع مرکزی طلاق به نظر می‌رسد. اما تحلیل این فیلم در مقاله عناصری و دیگران (۱۳۹۴) از منظر بازنمایی دروغ به عنوان یک آسیب اجتماعی انجام شده است. آنها می‌گویند: «فیلم، با رویکردی اجتماعی و با پیش چشم مخاطب کشیدن داستان زندگی‌های شکننده آدم‌هایی که در حال جداشدن از هم‌اند و از پی قراردادن بیننده / داور در موقعیت هر یک از شخصیت‌ها، رفته رفته نشان می‌دهد که جدایی‌ها نه به مسائلی شخصی، که به شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی جامعه بازتاب داده شده در فیلم ارجاع دارند و عامل این شکاف‌ها هم دروغ است» (ص: ۹۸). از نظر نویسندگان این فیلم در حقیقت نقدی اجتماعی است که مخاطب را به داوری اخلاقی در موضوع خود دعوت می‌کند.

خانه بیرون رفته و با گروهی از جوانان و نوجوانان بزهکار و بی‌خانمان که از او بزرگتر هستند دوست می‌شود. فیلم از نظر نویسنده «دو پی رنگ اصلی دارد. پیرنگ اول طلاق و تبعات آن در خانواده و دومی بلوغ و تغییرات خاص دوران نوجوانی است». بمانی که به نوعی از خانواده و جامعه طرد شده، برای جبران این طردشدگی به حاشیه ناامن جامعه پناه می‌برد و درگیر مسائلی چون انواع بزهکاری و جنایت می‌شود. از نظر فراهانی «لوکیشن حمل جسد فرهاد روی چرخ دستی که در پس زمینه تصویر اصلی، ساختمان‌های بلند شهرک اکباتان دیده می‌شود، دلالتی است بر جنایتهایی که در لایه‌های زیرین شهر اتفاق می‌افتد» (ص: ۱۵). به این ترتیب فیلم در پرتو نشان دادن یک مساله اجتماعی مهم همچون طلاق و تبعات آن در زندگی کودکان، زندگی گروهی از طردشدگان اجتماعی به همراه انواع مسائل همراه با آنها همچون اعتیاد و مواد مخدر و بزهکاری را نیز به تصویر می‌کشد.

پژوهش دیگر متعلق به غیائی و دیگران (۱۳۹۷)، است که در آن تعداد ۲۷ فیلم پر فروش ساخته شده در فاصله سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶ به منظور یافتن مسائل اقتصادی بازنمایی شده در فیلم‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی مطالعه شده است. از آنجا که بیشتر دوره زمانی مطالعه در این مقاله در دهه نود است، یافته‌های آن را به عنوان مسائل اقتصادی طرح شده در فیلم‌های دهه نود در نظر می‌گیریم. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مهم‌ترین مسائل اقتصادی نمایش داده شده در فیلم‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از کسب و کارهای حرام، اشتغال و بیکاری، تجمل‌گرایی و وضع اقتصادی بد طبقه متوسط. در جمع‌بندی مسائل اجتماعی دهه نود می‌توان بر دیدگاه رستگار و دیگران (۱۳۹۸) تاکید کرد که معتقدند «در دهه نود ویژگی‌های برجسته‌ای همچون تعدد و تکثر مسائل اجتماعی، نمایش مسائل حاد و بحرانی، پیوند مسائل فردی با شرایط اجتماعی، نمایش شهر، خیابان و عمومی شدن مسائل دیده می‌شود. تحلیل فیلم‌های پرمخاطب این دهه نشان می‌دهد مسائل اجتماعی بازنمایی شده، ویژگی‌های خاصی به خود گرفته‌اند و در میان چهار دهه مورد نظر، دهه نود اجتماعی‌ترین دهه سینماست و تورم مسائل اجتماعی در سینمای پرمخاطب دیده می‌شود» (ص: ۷۲). بی دلیل نیست که تمامی ۱۳ پژوهش استفاده شده در این مقاله که موضوع مسائل اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند، در سال‌های مختلف دهه نود و بخصوص نیمه

مزاحمت خیابانی هم پرداخته شده است. از نظر نویسندگان افزایش مسائل اجتماعی در فیلم‌های دهه نود، ناشی از افزایش این مسائل در سطح جامعه است. آنها به عنوان مثال به رابطه میان اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان در سال ۱۳۹۳ و ساخته شدن فیلم لانتوری با موضوع اسیدپاشی در همین دهه اشاره می‌کنند.

مثال دیگر از تعدد مساله در یک فیلم، فیلم ابد و یک روز (۱۳۹۴) است که موضوع محوری آن فقر است ولی در عین حال مشکلات دیگری مانند اعتیاد، نزاع و خشونت و کارتن‌خوابی هم در آن مطرح می‌شود. امیری و مریدی (۱۳۹۸) این فیلم را از منظر اسطوره‌شناسی تحلیل کرده و نشان داده‌اند که فیلم «تصویر اسطوره‌ای و تغییرناپذیر از فقر ارائه می‌دهد؛ تصویری که سعی در بازتولید کلیشه‌های فرهنگی از فقر و در نهایت حفظ نظم طبقاتی و طبیعی‌سازی فقر در جامعه دارد» (ص: ۴۷). از نظر آنها این فیلم می‌تواند نماینده خوبی برای سایر فیلم‌هایی باشد که موضوع فقر را در دهه نود دستمایه قرار داده‌اند؛ فیلم‌هایی مانند کلاشینکف (سعید سهیلی: ۱۳۹۲)، فروشنده (اصغر فرهادی: ۱۳۹۴) لانتوری (رضا درمیشیان: ۱۳۹۴)، شعله‌ور (حمید نعمت‌الله: ۱۳۹۴) و مغزهای کوچک زنگ‌زده (هومن سیدی: ۱۳۹۶). «البته در اغلب این آثار همچون فیلم فروشنده شخصیت محوری از طبقه تهیدستان نبوده اگرچه به زندگی آنها در حاشیه فیلم پرداخته شده است» (ص: ۵۵). یکی دیگر از فیلم‌هایی که مسائل اجتماعی را در دهه نود به تصویر کشیده فیلم دارکوب (۱۳۹۶) است. این فیلم که بر نمایش آسیب‌های اعتیاد روی زنان متمرکز است، در باره «زنی معتاد و چگونگی تاثیر این اعتیاد بر روان، زندگی خانوادگی و هویت اجتماعی او» است. در طول فیلم اطرافیان این زن او را تحقیر و طرد می‌کنند (فرزانه دهکردی: ۱۳۹۸).

فیلم دیگری که موضوع طرد و تحقیر را در کنار برخی دیگر از مسائل اجتماعی طرح کرده است، فیلم سیزده محصول سال ۱۳۹۲ است. فراهانی (۱۳۹۴) در مقاله خود این فیلم را از منظر مسائل اجتماعی نمایش داده شده در آن تحلیل کرده و توضیح می‌دهد که فیلم، داستان بمانی نوجوانی سیزده ساله است که والدینش از هم جدا شده‌اند. این نوجوان که تنها فرزند خانواده بوده و به همراه پدر درگیر کار و مشغله خود زندگی می‌کند، در زمان‌های تنهایی از

مربوط به سیاه‌نمایی آنها باشد زیرا این مساله تنها در معدودی از فیلم‌های جایزه گرفته وجود داشته است.

در مقاله معیدفر و صفری (۱۳۹۷)، موضوع ریاکاری و نمودها و دلایل آن در پنج فیلم سینمایی از دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد از منظر فیلم‌های مورد مطالعه، ریاکاری در سطح افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی قابل تشخیص است: «در فیلم‌های مطالعه شده، ریاکاری در روابط بین فردی، روابط خانوادگی و اجتماعی، در نهادهای اجتماعی، در حوزه کسب و کار و اشتغال، معاملات و روابط اقتصادی قابل تشخیص است. افراد به عنوان بازیگران نقش‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی نه تنها از معیارهای اجتماعی بلکه از معیارهای شخصی خود نیز تخطی می‌کنند. به عبارتی شخصیت‌های ریاکار فیلم‌های مورد بررسی نه تنها معیارهای شخصی‌شان با معیارهای هنجاری اجتماعی تعارض دارد و به هنجارهای اجتماعی تظاهر می‌کنند بلکه میان هنجارهای شخصی و هنجارهای خوداظهاری‌شان نیز تعارض وجود دارد» (۱۳۹). در رابطه با رفتارها و عملکردها «شخصیت‌های ریاکار فیلم‌های مورد مطالعه، اگرچه اکثراً رفتارها و کنش‌هایشان در الگوی خودآگاهانه ریاکاری قرار می‌گیرد، اما با کمی دقت ملاحظه می‌شود اکثراً با دلیل تراشی و توجیه رفتار نامطلوب و ناپسندشان به ریاکاری خودفریبانه نیز دست می‌زنند» (۱۴۰). ریاکاری در زمره مسائل اخلاقی است که در این مقاله به آن توجه شده است. در مجموع ملاحظه می‌شود که ارتباط میان دهه‌های مختلف اجتماعی و مسائل اجتماعی بازتاب شده در فیلم‌ها، به واسطه پژوهش‌های سینمایی تشریح شده در بالا، تأیید شده است. این یافته اساسی در ادامه به بحث گذاشته می‌شود تا در پرتو آن رابطه میان سینما و جامعه در ایران روشن‌تر شود.

مقایسه مسائل اجتماعی در فیلم و جامعه

در این قسمت ابتدا نشان داده خواهد شد که مسائل اجتماعی نمایش داده شده در فیلم‌های سینمایی ایرانی به تفکیک چهار دهه چه بوده است. سپس با در نظر گرفتن کل دوره زمانی مطالعه به صورت واحد، نشان داده خواهد شد که مسائل اجتماعی مهم جامعه ایران چه بوده و نمایش این مسائل در فیلم‌ها، از دهه ۶۰ تا دهه ۹۰ چه تغییرات و تحولاتی را پشت سر گذاشته است.

دوم این دهه منتشر شده‌اند. در حقیقت مسائل اجتماعی در دهه نود در مقایسه با دوره‌های قبل از آن به حدی افزایش یافته که محققان و تحلیل‌گران سینمایی را به مطالعه این مسائل در سینمای ایران سوق داده است.

چهار دهه گذشته

بعضی از مقالات در تحلیل فیلم‌های مورد نظر دوره زمانی خاصی را مد نظر نداشته‌اند. این دسته از مقالات با معیار نمونه‌گیری هدف‌مند آن دسته از فیلم‌هایی را برای تحلیل انتخاب کرده‌اند که موضوع خاصی را صرف‌نظر از زمان تولید فیلم دربر می‌گیرند. به عنوان نمونه در مقاله محمدی مهر و بیچرانلو (۱۳۹۲)، ۲۰ فیلم جایزه گرفته از جشنواره‌های بین‌المللی با روش تحلیل محتوای کمی مطالعه شده است. بر اساس این مطالعه، بیشترین مسائل اجتماعی بازنمایی شده در این فیلم‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از فقر، دختران فراری، کار کودکان و نوجوانان، مسائل اقتصادی-اجتماعی دوران جنگ، محدودیت‌های اجتماعی زنان و دختران، تبعیض و فاصله طبقاتی و زنان خیابانی. مسائل دیگری که فراوانی کمتری دارند ولی به هر حال در این فیلم‌ها قابل مشاهده است، عبارتند از توزیع مواد مخدر، بیکاری، پارتی‌بازی، دزدی و خودکشی (ص: ۲۵). نویسندگان در مقایسه میان مسائل اجتماعی نمایش داده شده در فیلم‌ها و مسائل اجتماعی برآمده از تحقیقاتی مانند پژوهش رفیعی و همکاران که در این مقاله از یافته‌های آن استفاده شده، نشان دادند که گاه میان این دو دسته مسائل همخوانی وجود دارد و گاه ندارد. از نظر آنها «موضوع سه فیلم دایره، طلای سرخ و دندان مار به ترتیب فحشا و دختران فراری، تبعیض اجتماعی و طبقاتی و فساد اقتصادی (احتکار) است که در زمره مسائل اجتماعی ایران قرار دارند. بر اساس همین نتایج محدودیت‌های اجتماعی زنان و دختران داستان چند فیلم دیگر است که به وجوه منفی زندگی اجتماعی پرداخته‌اند ولی با مسائل اجتماعی ایران همخوانی نداشته‌اند» (ص: ۲۶). نکته مهم دیگر اینکه مسائل اجتماعی در همه ۲۰ فیلم مطالعه شده به طور یکسان نمایش داده نشده و عمده این مسائل در پنج فیلم «دایره» (۷۰٪)، دندان مار (۵۲/۵٪)، زمانی برای مستی اسب‌ها (۴۱/۹٪)، طلای سرخ (۳۴/۸٪) و زیر نور ماه (۳۱٪) بوده است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که دلیل اهدای جایزه به این فیلم‌ها نمی‌تواند

توجه به تحولات اجتماعی جامعه ایران از دهه ۶۰ به این سو نشان می‌دهد که مسائل طرح شده در هر دهه برآمده از تحولات اجتماعی واقعی جامعه بوده است به نحوی که سینمای دهه شصت، به دلیل شرایط انقلابی و شرایط جنگی متعاقب آن در جامعه، کمترین جدیت را در بازتاب مسائل اجتماعی داشته اما از دهه هفتاد به بعد توجه به مسائل اجتماعی با موضوع طلاق و مسائل مرتبط با زنان آغاز می‌شود تا در ادامه در دهه‌های هشتاد و نود با مسائل متعدد اجتماعی بازتاب یافته در فیلم‌ها مواجه می‌شویم که نشانگر افزایش مسائل اجتماعی در سطح جامعه است.

برای ایجاد امکان مقایسه میان مسائل اجتماعی واقعی جامعه و بازتاب شده در سینما از اطلاعات چند پژوهش انجام شده در باره مسائل اجتماعی ایران در اینجا استفاده می‌شود. اولین پژوهش، مربوط به رفیعی و دیگران است که با استفاده از روش دلفی و جمع‌آوری نظرات ۴۱ نفر از مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه مسائل اجتماعی انجام شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پانزده مساله اجتماعی مورد توافق صاحب‌نظران در ایران به ترتیب اهمیت عبارتند از «اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی در برخورداری از قدرت، نزول ارزش‌ها، افزایش میزان جرائم، سیاست‌های اقتصادی، معضل ترافیک، مسائل آموزش و پرورش، عدم رعایت حقوق شهروندی و نابرابری در اجرای قانون» (ص: ۲۰۲). در میان این مشکلات نیز اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی و فقر و فساد در اولویت بالاتری در مقایسه با دیگر مشکلات قرار دارند.

یوسفی و اکبری (۱۳۹۰)، با انجام یک فراتحلیل از داده‌های سه پیمایش، برای تعیین اولویت‌بندی مسائل اجتماعی از دیدگاه مردم اقدام کردند. این سه پیمایش در سطح ملی بوده و به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ انجام شده است. بر اساس نتایج مطالعه اول، مهم‌ترین مسائل اجتماعی ایران از دیدگاه پاسخ‌گویان تورم، بیکاری، پارتی بازی و فقر است (ص: ۲۰۹). در مطالعه دوم، «گرانی و تورم، بیکاری، پارتی بازی و اعتیاد مهم‌ترین مسائل اجتماعی از دیدگاه پاسخ‌گویان است» (ص: ۲۱۳). در مطالعه سوم، مهم‌ترین مسائل اجتماعی از دیدگاه پاسخ‌گویان به ترتیب بیکاری، گرانی، اعتیاد و پارتی بازی است (۲۱۶). دزدی و طلاق در این سال در اولویت

در تفکیک دهه‌های چهارگانه مشاهده می‌شود که در هر دهه مسائل اجتماعی نمایش داده شده به تناسب زمان با هم متفاوت و در مواردی هم یکسان هستند. مهم‌ترین مساله بازنمایی شده در دهه شصت مساله قاچاق مواد مخدر بوده است. در دهه هفتاد، مساله طلاق در سینما مطرح می‌شود و در نحوه بازنمایی مسائل زنان تابوشکنی اتفاق می‌افتد که این موضوعات در دو پژوهش برجسته شده است. در دهه‌های هشتاد و نود بیشترین میزان بازنمایی مسائل اجتماعی در سینما اتفاق می‌افتد و مسائلی همچون طلاق و خیانت، فقر و بیکاری، اعتیاد، قتل و نزاع و سرانجام فحشا و تجاوز به صورت عمده و بسیاری مسائل دیگر به صورت حاشیه‌ای، در سینما بازنمایی شده و مجموعاً در ۱۱ پژوهش مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به یافته‌های ۱۳ پژوهش یاد شده در این مقاله، می‌توان مهم‌ترین مسائل اجتماعی طرح شده در سینمای ایران به تفکیک چهار دهه را در جدول زیر جمع‌بندی کرد:

مسائل اجتماعی تصویر شده در سینمای ایران به تفکیک دهه و اهمیت

دهه	مسائل مهم بازتاب شده	مسائل دیگر بازتاب شده
شصت	قاچاق مواد مخدر	کلاهبرداری دلالی و زد و بندهای حقوقی، خیانت، عهد شکنی، تجاوز، ریاکاری و دروغ
هفتاد	طلاق، تابوشکنی بازنمایی مسائل زنان	قاچاق دارو، مهاجرت از روستا به شهر، خودکشی، اسیدپاشی بر روی زنان و اعتقاد به خرافات و جادو، تبعیض قومی
هشتاد	طلاق، خیانت، بیکاری، تورم و فقر، اعتیاد، فقر	ایدز، دروغ، قتل، ضرب و جرح، آدم ربایی، تیراندازی، تجاوز، تن فروشی، روابط نامشروع، سرقت، کلاهبرداری، قاچاق، اختلاس و فساد اقتصادی، بی‌سربستی و بدسربستی، خشونت خانگی،
نود	فقر، اعتیاد، طلاق، اشتغال و بیکاری، فحشا، خیانت	اسیدپاشی و تجاوز، قتل، و مزاحمت خیابانی، نزاع و خشونت و کارتن‌خوابی، اعتیاد زنان، طرد اجتماعی، کسب و کارهای حرام، تجمل‌گرایی و وضع اقتصادی بد طبقه متوسط.

که مساله طلاق در تحقیقات اجتماعی رتبه‌ای در حدود ششم دارد. بنابراین سینمای ایران مسائل اجتماعی جامعه ایران را متناسب با شرایط واقعی به تصویر کشیده است، اگرچه بعضی مسائل را به صورت اغراق‌آمیز طرح کرده یا بعضی از مسائل دیگر را نادیده گرفته است.

مقایسه دهه انتشار پژوهش‌ها و دهه فیلم‌های مطالعه شده در آنها نشان می‌دهد که اولاً تمامی ۱۳ پژوهش استفاده شده در این مقاله که موضوع مسائل اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند، در سال‌های مختلف دهه نود و بخصوص نیمه دوم این دهه منتشر شده‌اند. همچنین در میان این مقالات، دو مقاله به دهه شصت، دو مقاله به دهه هفتاد و نه مقاله به هر یک از دهه‌های هشتاد و نود پرداخته‌اند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که سینمای ایران به طور عمده در دهه‌های هشتاد و نود به طرح مسائل اجتماعی روی آورده ولی پژوهشگران سینمایی به طور عمده در دهه نود به مطالعه نحوه بازنمایی این مسائل در سینما پرداخته‌اند. به هر حال با این مقایسه می‌توان به سینمای ایران به عنوان تصویرگر مسائل اجتماعی مهم جامعه اعتماد کرد، اگرچه لازم است یافته‌های حاصل از مطالعه سینما با یافته‌های تحقیقات میدانی دیگر تکمیل شود.

نتیجه‌گیری

از میان موضوعات مختلف بازنمایی شده در سینمای ایران، تمرکز ما در این مقاله بر مسائل اجتماعی بوده است. به همین دلیل تعداد سیزده مقاله که هدف اصلی آنها مطالعه مسائل اجتماعی نمایش داده شده در سینما بود انتخاب شد و یافته‌های این مقالات در ساختار کلی دوره چهار ساله و ساختار جزئی‌تر دوره‌های ده ساله باز تنظیم شد. یافته‌ها نشان داد، بعضی از مسائل اجتماعی موجود در جامعه ایران، در سینما برجسته شده در حالی که بعضی دیگر یا به صورت محدودتر طرح شده یا اینکه اصولاً نادیده گرفته شده است. دلیل این تفاوت میان واقعیت و بازتاب آن در سینما را می‌توان در سیاست‌گذاری‌های سینمایی جامعه از یک طرف و توجه پژوهشگران به مطالعه برخی از فیلم‌ها و نه همه آنها جستجو کرد. بنابراین اگرچه نمی‌توان گفت با مطالعه و تحلیل فیلم‌های سینمایی ایران می‌توان به شناخت همه مسائل اجتماعی جامعه نائل شد، اما جمع‌بندی یافته‌های پژوهشی در این مقاله نشان داد که مهم‌ترین

پنجم و ششم فرار گرفته‌اند. می‌توان گفت در مجموع سه دوره پژوهش یاد شده، مهم‌ترین مسائل اجتماعی از نظر گروه‌های مختلف مردم در سطح ملی به ترتیب اهمیت، تورم، بیکاری، پارتی بازی، فقر، اعتیاد، سرقت و طلاق است.

معمدی (۱۳۸۷)، نظرات ۸۲۳ نفر از مسئولان و کارشناسان مسائل اجتماعی را در سال ۱۳۸۷ در باب مهم‌ترین مسائل اجتماعی مطالعه کرد. این کارشناسان شامل اعضای هیات علمی، قضات، مدیران و معاونین مرتبط با آسیب‌ها، کارشناسان مرتبط با آسیب‌ها، روحانیون و فرهنگیان می‌شدند. روش تحقیق، پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهد که ده اولویت اول مسائل اجتماعی ایران از نظر کارشناسان به ترتیب اهمیت عبارتند از بیکاری، اعتیاد، فقر، طلاق، خانواده نابسامان، سرقت، رشوه‌خواری، فحشا، ناهنجاری‌های آموزشی، دختران فراری (ص: ۳۴۰). در مجموع یافته‌های این سه پژوهش مشاهده می‌شود که «بیکاری و اعتیاد» در همه موارد از مهم‌ترین مسائل اجتماعی هستند و پس از آن «گرانی و تورم»، «پارتی بازی»، «فقر»، «اعتیاد»، «دزدی و سرقت» و «طلاق» است.

مقایسه میان این یافته‌های تحقیقات اجتماعی و پژوهش‌های سینمایی، نشان می‌دهد مسائل واقعی و عمده اجتماعی ایران، در سینما بازتاب یافته است. بعضی مسائل دیگر هم بر مبنای تحقیقات اجتماعی وجود دارند که در پژوهش‌های سینمایی به آنها اشاره‌ای نشده است. این مسائل عبارتند از «پارتی‌بازی»، «خشونت»، «فساد اقتصادی»، «تبعیض اجتماعی»، «بی‌عدالتی در برخورداری از قدرت»، «ترافیک»، «مسائل آموزش و پرورش» و «نابرابری در اجرای قانون». در عوض برخی از مسائل مانند «بی‌اعتمادی اجتماعی»، «نزول ارزش‌ها»، «خیانت»، «تجاوز و فحشا»، در فیلم‌ها بازنمایی شده که در تحقیقات یاد شده به عنوان مساله اجتماعی مهم طرح نشده است.

اغلب مسائل اجتماعی مهمی که در تحقیقات اجتماعی به دست آمده، در فیلم‌های سینمایی هم به تصویر کشیده شده و توسط پژوهشگران در فیلم‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. تنها تفاوت عمده این است که در فیلم‌ها مساله طلاق با اولویت اول طرح شده و سایر مسائل در رتبه‌های بعدی از نظر توجه سینما به آنها قرار گرفته است. این در حالی است

و افزایش مشارکت اجتماعی برای کاهش این آسیب‌ها ایفا می‌کند.

بنابراین و با عطف توجه به یافته‌های این پژوهش، از متولیان امور انتظار می‌رود به جای محدود کردن فیلم‌های مسائل اجتماعی با انتساب اتهاماتی همچون سیاه‌نمایی، به نشانه‌های این مسائل در فیلم‌ها بیشتر توجه کرده و آنها را جدی بگیرند. همچنین از فیلم‌سازانی که با رویکرد نمایش مسائل اجتماعی به ساخت فیلم اقدام می‌ورزند انتظار می‌رود با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی ایران و نیز مشاوران جامعه‌شناس متخصص در این حوزه، مسائل اجتماعی را به شکل قابل اعتمادتر در آثار هنری خود به نمایش بگذارند تا بتواند تأثیرات آگاهی بخشی بیشتری داشته باشد.

مسائل اجتماعی مبتلابه جامعه در سینمای ایران بازتاب داده شده و به این اعتبار می‌توان با مطالعه فیلم‌های سینمایی در باره این مسائل به شناخت عمیق‌تری از جامعه رسید. این نکته تأییدی بر موثر بودن جامعه‌شناسی سینما برای کسب شناخت بهتری از جامعه است.

فیلم و سینما مانند آمار و اطلاعات رسمی نیست که تنها به ذکر میزان مسائل و آسیب‌های اجتماعی بسنده کند. سینما با درامتیزه کردن مسائل اجتماعی و نشان دادن پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها، مسائل را به صورت زنده نشان داده و نه تنها ضرورت توجه و برنامه‌ریزی برای رفع آنها را به سیاست‌گذاران و متولیان امور جامعه گوشزد می‌کند، بلکه با آگاهی‌بخشی به مخاطب عام، در باره این مسائل فرهنگ‌سازی کرده و نقش خود را در ایجاد انسجام اجتماعی

پی‌نوشت‌ها

1. Piotrowski
2. Reflection Approach
3. Representation Approach

4. Mirror Theory
5. I. C. Jarvie
6. Social Problems Cinema

7. Chris Cagle

منابع

- اباذری، یوسف (۱۳۸۷): خرد جامعه‌شناسی، انتشارات طرح نو.
- الکساندر، ویکتوریا (۱۳۹۰): جامعه‌شناسی هنرها، اعظم راودراد، انتشارات دانشگاه تهران.
- امیری، ساره و مریدی، محمدرضا (۱۳۹۸): «اسطوره فقر در سینمای ایران: تحلیل نشانه‌شناختی فیلم ابد و یک روز»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۱، شماره ۱.
- جاروی، آی. سی. (۱۳۷۹): «ارتباط کلی سینما و جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی رسانه‌ها»، در به سوی جامعه‌شناسی سینما، ترجمه اعظم راودراد، فصلنامه سینمایی فارابی، شماره ۳۸.
- راودراد، اعظم و آقایی، عاطفه (۱۳۹۵): «تحلیل گفتمان بازنمایی ایدز در سینمای ایران: مطالعه موردی فیلم «پارهنه در بهشت»»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- رستگار، یاسر؛ آقابابایی، احسان و راسخ، زهرا (۱۳۹۸): «بازنمایی مسائل اجتماعی در سینمای پس از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، شماره ۴، دوره ۸، شماره ۴ (پیاپی ۲۷).
- رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید و وامقی، مروان (۱۳۸۷): «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۱ و ۲.
- روزخوش، محمد (۱۳۹۸): «هنر و تامل در مسائل اجتماعی؛ نمونه فیلم سگ‌کشی و جامعه و اقتصاد پس از جنگ»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۶، شماره ۱.
- سلطانی گرد فرامرزی، مهدی؛ مرادخانی، همایون و اسماعیل‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۶): «برساخت سینمایی جرم و مجرمان در فیلم‌های ایرانی (سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۰)»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۷.
- سلطانی گرد فرامرزی، مهدی و پاکزاد، احمد (۱۳۹۵): «بازنمایی طلاق در سینمای دهه ۸۰ ایران»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۷، شماره ۳۳.
- سورلن، پیر (۱۳۷۹): سینمای کشورهای اروپایی، حمید لاری، سروش
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۹۰): آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران:

- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عناصری، علی مراد؛ رحمتی، عادل؛ امامعلی‌زاده، حسین و مهدوی‌کنده، داود (۱۳۹۴): «جدایی و دروغ: تحلیل جامعه‌شناختی فیلم جدایی نادر از سیمین»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۷، شماره ۱.
- غیاثی، هادی؛ برزویی، محمدرضا و رجبی، سجاد (۱۳۹۷): «تحلیل بازنمایی فرهنگ اقتصادی در سینمای ایران؛ مورد مطالعه: پرورش‌ترین فیلم‌های سال‌های ۸۶ تا ۹۶»، مطالعات رسانه‌ای، سال سیزدهم، شماره ۱.
- فراهانی، مژگان (۱۳۹۴): «بازنمایی طردشدگی در سینمای ایران؛ مطالعه موردی فیلم سیزده»، جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۱۶.
- فرزانه دهکردی، جلال (۱۳۹۸): «اعتیاد و دیگربودگی: مطالعه فیلم دارکوب از منظر آلوده‌نگاری»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۱۱، شماره ۲.
- قاسمی، حمید و دیگران (۱۴۰۰): مرجع پژوهش، چاپ دوم ویراست هجدهم، انتشارات اندیشه آرا
- لوزیک، دانیلین (۱۳۹۳). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. (مترجم، س. معیدفر) تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی مهر، غلامرضا و بیچرانلو، عبدالله (۱۳۹۲): «رویکرد فیلم‌های برگزیده شده در جشنواره‌های بین‌المللی به مسائل اجتماعی ایران»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال ۱۴، شماره ۲۱.
- محمدی، جمال و محمودی، جهانگیر (۱۳۹۵): «دیگری در سینمای نئورئالیستی ایران (مورد مطالعه: تخته سیاه و باد ما را خواهد برد)»، مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۳، شماره ۲.
- معتمدی، سید هادی (۱۳۸۷): «اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۴.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹). مسائل اجتماعی ایران: جامعه‌شناسی اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر. تهران: انتشارات علم.
- معیدفر، سعید و صفری، فاطمه (۱۳۹۷): «تعارضات منجر به ریاکاری به روایت سینما»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۱.
- یوسفی، علی و اکبری، حسین (۱۳۹۰): «تاملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران»، نشریه مسائل اجتماعی ایران، سال ۲، شماره ۱.

- Jarvie, I. C: Towards a Sociology of the Cinema. Routledge: 1999
- Piotrowski, Przemysław (Ed.) (2006): Understanding Problems of Social Pathology, Amsterdam, New York: Rodopi

- Cagle, Chris (2017): Sociology on film. London: Routledge University Press.